

تبیین روابط ترکیه، قطر و عربستان سعودی از دیدگاه سازه‌انگاری اجتماعی از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ (با تأملی بر نقش رسانه)*

محسن یوسفی^۱، رحمت حاجی‌مینه^۲، محمدرضا دهشیری^۳

چکیده

ترکیه، عربستان سعودی و قطر سه کشور فعال در تحولات منطقه‌ای غرب آسیا هستند. پس از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، روابط دوحه-آنکارا روز به روز نزدیک‌تر و روابط ترکیه-عربستان سعودی به واسطه نزدیکی روابط ترکیه-قطر، حمایت آنکارا از دوحه، نگاه متضاد ریاض و آنکارا در خصوص اخوان المسلمین و مسائل منطقه‌ای از جمله بیداری اسلامی به سوی تنش و تضاد دچار چرخش شد. نقش رسانه در نزدیکی روابط و منافع، کاهش تنش‌ها و یا بروز اختلافات در برداشت‌های ترکیه، قطر و عربستان سعودی دارای اهمیت است. هدف اصلی این مقاله تبیین عوامل مؤثر بر روابط ترکیه، قطر و عربستان سعودی (۲۰۲۰-۲۰۱۱) با استفاده از نظریه سازه‌انگاری اجتماعی با تأملی بر نقش رسانه است. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی و سؤال اصلی عبارت است از اینکه چگونه می‌توان سیاست‌ خارجی ترکیه، قطر و عربستان سعودی (۲۰۲۰-۲۰۱۱) را با استفاده از نظریه سازه‌انگاری اجتماعی و با نگاهی به نقش رسانه تبیین کرد. یافته اصلی مقاله این است که ترکیه و قطر با استفاده از اهمیت و نقش رسانه‌ها، در تلاش برای خنثی کردن تلاش‌های عربستان سعودی به‌عنوان رقیب ایدئولوژیک خود و معرفی خود به‌عنوان الگوهای پیشرفت در منطقه برآمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: سازه‌انگاری اجتماعی، ترکیه، قطر، عربستان سعودی، بیداری اسلامی، رسانه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

* این مقاله، مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

۱. دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mohsenyousefy@gmail.com

۲. استادیار روابط بین‌الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

r.hajimineh@gmail.com

۳. استاد روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، (استاد مدعو دانشگاه آزاد تهران شمال)، تهران، ایران.
mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

DOI: 10.22034/IMRL.2022.150509



مقدمه

با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، دو راهبرد «عمق راهبردی» و «صفرکردن مسائل با همسایگان» توسط ترکیه مورد توجه قرار گرفت که موجب فعال شدن سیاست خارجی ترکیه موسوم به «نوعثمانیسم» در غرب آسیا، خلیج فارس و شمال آفریقا شده است. تا پیش از بیداری اسلامی^۱ (بهار عربی) در سال ۲۰۱۱، روابط ترکیه، قطر و عربستان سعودی رو به بهبود بود، ولی بیداری اسلامی تحولات اساسی در روابط ریاض، آنکارا و دوحه به وجود آورد. سقوط دیکتاتورهای عربی، تضاد منافع ترکیه و عربستان سعودی بر سر موضوعات منطقه‌ای، بحران سوریه، حمایت قطر از ایران در شورای همکاری خلیج فارس و محور مقاومت، زمینه‌ساز تحریم قطر توسط عربستان سعودی، مصر، بحرین، امارات و نزدیکی روابط ترکیه و قطر شد. در تحولات بیداری اسلامی، که به دنبال آن موجب تیرگی روابط ترکیه و عربستان سعودی و در ادامه تحریم قطر شد، برخی عوامل از تأثیرگذاری زیادی در سوءدهی این جریانات برخوردار بودند. از جمله این عوامل می‌توان به نقش مهم رسانه‌ها اشاره کرد. شبکه‌های برون‌مرزی ایران به‌ویژه العالم و پرس‌تی‌وی همراستا با شبکه‌های بین‌المللی همچون الجزیره، نقش مهمی در جهت‌دهی به انقلاب‌های عربی داشتند و منجر به نزدیکی روابط ترکیه و قطر شدند. بیداری اسلامی منجر به نزدیکی بیشتر انگاره‌های ذهنی سیاست‌مداران آنکارا-دوحه شد که در سال ۲۰۱۷ مورد تحریم قرار گرفت. نزدیکی انگاره‌ها منجر به برداشت‌های مشترک شده که هویت مشترک، برآیند آن بوده است.

مقاله با این فرضیه که «برداشت بین‌الذهانی مشترک ترکیه-قطر، ادراکات برگرفته از ایدئولوژی اخوان المسلمین منجر به هویت مشترک شد، و رسانه زمینه شکل‌دهی و نزدیکی رفتار منطقه‌ای دوحه-آنکارا و زمینه ایجاد شکاف در روابط ترکیه-عربستان سعودی را فراهم کرد»، به دنبال پاسخ به این سؤال است که «چگونه می‌توان روابط منطقه‌ای ترکیه، قطر و عربستان سعودی (۲۰۲۰-۲۰۱۱) را با استفاده از سازه‌انگاری اجتماعی با نگاهی به نقش رسانه تبیین کرد؟»

۱. بیداری اسلامی، اصطلاحی است که برای بیان جنبش‌های مبتنی بر آگاهی و عمل سیاسی در مبارزه با حکومت‌های فاسد دیکتاتور عربی توسط ملت‌های عربی شکل گرفت. بر این اساس در این مقاله از واژه بیداری اسلامی استفاده می‌کنیم که بیانگر چگونگی شکل‌گیری این جنبش‌ها و همچنین نحوه تأثیر این آگاهی بر ملت‌های عربی منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا و روابط کشورهای این مناطق با یکدیگر بوده است.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مطالعات غرب آسیا (ترکیه، عربستان سعودی و قطر) در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ نشان‌دهنده تلاش‌ها در این حوزه جهت تحلیل و تبیین دقیق روابط سه کشور مورد بررسی هستند. روابط سه کشور، بعد از وقوع بیداری اسلامی دچار تحولات مهمی شده است که برخی از این تحولات در تحقیقات این پژوهشگران منعکس شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

بشیر و وحیدی فردوسی (۱۳۹۲)، رسانه‌ها را بخشی از سیاست معنا بخشیدن تعریف می‌کنند و معتقدند که رسانه‌ها به رخدادهایی که در جهان به واقعیت می‌پیوندند معنا می‌دهند. جعفری (۱۳۹۰) معتقد است شبکه العالم رسالت مهمی در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در چارچوب سیاست‌های ایران ترسیم کرده که علاوه بر تأکید بر بیداری اسلامی به‌عنوان مهمترین دستاورد انقلاب‌های عربی در منطقه، در مورد نفوذ جریان‌های غربی و عربی وابسته در این انقلاب‌ها هشدار می‌دهد.

اشتاینبرگ^۱ (۱۳۹۲) اعتقاد دارد ظهور تضاد منافع میان ترکیه و عربستان سعودی در شمال آفریقا و به وجود آمدن اختلاف بین قطر، عربستان سعودی و امارات، مصر و بحرین به بهانه حمایت قطر از ایران و محور مقاومت (حمایت از تروریسم)، منجر به اعمال تحریم‌های شدید علیه قطر از سوی چهار کشور در سال ۲۰۱۷ شد. مفیدی احمدی (۱۳۹۳)، بر این نظر است که عربستان سعودی در خصوص تحولات منطقه‌ای، همواره تردید داشته است. تفسیر برآمده از آموزه‌های وهابیت از اسلام با تفسیر غالب اسلام در ترکیه همخوانی ندارد. علت این امر «اروپایی‌شدن نسبی اسلام» در ترکیه است. وی معتقد است شکل‌گیری اختلافات میان ترکیه و عربستان سعودی، بیشتر دارای ابعاد ایدئولوژیک و عمدتاً بر سر موضوعات اساسی در منطقه است. امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله «دومینوی تحولات بهار عربی در بستر جهانی‌شدن و توسعه ارتباطات»، بر نقش رسانه‌های عمومی در سازماندهی انقلاب‌های عربی توسط معترضان تأکید کرده‌اند. درج و التیامی‌نیا (۱۳۹۷)، معتقدند که قطر و ترکیه طی دو دهه گذشته در تلاش برای ایفای نقش فعال در منطقه بوده‌اند تا خود را به‌عنوان بازیگری جدید بشناسانند و در تحولات منطقه نقشی مانند بازیگران اصلی مانند عربستان سعودی ایفاء کنند. تأکید دولتمردان قطر بیشتر بر قدرت نرم و منابع اقتصادی بوده است.

1. Steinberg (2013)



جین کینن‌مونت^۱ (۲۰۱۹)، بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ را نقطه عطف سیاست خارجی دوحه می‌داند که قطر با جنبش‌های مردمی در منطقه همسو شد. دوحه در حمایت از این خیزش‌ها گزینه‌ی عمل‌کرد و در تلاش برای سرنگونی دولت اسد، مستقیماً به حمایت از مخالفان سوری پرداخت. بیرویل باشکان در مقاله «ترکیه میان قطر و عربستان سعودی: تغییر روابط منطقه‌ای و دوجانبه» روابط ترکیه-قطر را بر معادلات و تحولات منطقه‌ای تأثیرگذار می‌داند و معتقد است روابط دوحه، آنکارا و ریاض تا پیش از بیداری اسلامی رو به بهبود بوده و پس از تحولات عربی میزان بازدیدها، ملاقات‌ها و حجم تجارت دوحه-آنکارا تاکنون افزایش داشته است. ترکیه که در دهه ۲۰۰۰ روابط خوبی با قطر برقرار کرده بود، با وقوع بیداری اسلامی با عربستان سعودی درگیر شد و روابط خود را با قطر بهبود بخشید. با وقوع بیداری اسلامی، تضاد برسر موضوعات منطقه‌ای افزایش یافت. روابط ترکیه و عربستان سعودی با اختلاف همراه شد و روابط ترکیه و قطر بهبود یافت. اینگین یوکسل^۲ و هاشم تکینش^۳ (۲۰۲۱)، یکی از علل نزدیکی روابط ترکیه و قطر را ارتباط و حمایت رهبران دو کشور از اخوان المسلمین می‌دانند. بخش عمده‌ای از ادبیات کنونی در مورد همکاری ترکیه و قطر به اهمیت ایدئولوژی مشترک توجه دارد، زیرا نخبگان حاکم در هر دو کشور حامیان قوی اخوان المسلمین هستند.

مقاله حاضر روابط ترکیه، قطر و عربستان سعودی را در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ با استفاده از سازه‌نگاری اجتماعی با نگاهی به نقش رسانه تبیین می‌کند. در تحولات بیداری اسلامی، رسانه‌ها نقش روشنگری را بر عهده داشتند. نویسندگان تلاش کرده که علاوه بر پژوهش‌های انجام شده، نگاه جامع‌تری به تحولات این دوره با تمرکز بر رویکردهای رسانه‌ای داشته باشد.

چارچوب نظری: سازه‌نگاری اجتماعی

سازه‌نگاری در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر^۴ و توماس لاکمن^۵ مطرح شد و از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد روابط بین‌الملل شد، ریشه در مسئله جامعه‌شناختی دارد. فردریک کراتوچویل^۶، نیکلاس

1. Jane Kinninmont
2. Engin Yüksel
3. Haşim Tekineş (2021)
4. Peter L. Berger
5. Thomas Luckmann
6. Friedrich Kratochwil



اوناف^۱ و الکساندر ونت^۲، متفکران اصلی این دیدگاه هستند (Smith and Others, 2003: 546). در حوزه نظریه‌پردازی دو دسته نظریه داریم: ۱- نظریات مرتبط به ساختار و پویایی نظام بین‌الملل که به شکل نظریه‌های محتوایی، به فهم ما از سیاست جهانی کمک می‌کنند، مانند نظریه واقع‌گرایی، ۲- مباحث فرانتزری که هدف از آنها افزایش فهم ما از سیاست جهانی و تأکید بر مسائل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است، مانند نظریه سازه‌انگاری (Griffiths, 1999: 49) که این نظریه‌ها معناگرا هستند و موتور و محرک سیاست‌ خارجی را عوامل غیرمادی و فرهنگی و ارزشی در نظر می‌گیرند. بازیگران برحسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود دست به کنش متقابل می‌زنند، طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند. اهمیت شرایط مادی تا حدی بر اساس منافع است (Wendt, 1999: 139). تصورات کشورها از خود و منافع‌شان منعکس‌کننده اقدامات دیگران در طول زمان است (Wendt, 1992: 404). اصول مشترکی میان سازه‌انگاران وجود دارد، از جمله «رابطه ذهن شناساگر و سوژه تحقیق، واقعیت اجتماعی، ارتباط میان ساختار و کارگزار و موضع‌گیری در برابر نظریه‌های رئالیستی، رابطه عوامل مادی و ذهنی، معنا و نقش هویت، معنا و جایگاه مفاهیم بین‌الذهانی و توجه به نقش ساختارهای فکری و غیرمادی بین‌الذهانی». سازه‌انگاری هویت‌ها و منافع را درون‌زای تعامل و متغیری وابسته در فرآیند تلقی می‌کند (Wendt, 1994: 385-386).

در سازه‌انگاری اجتماعی، ارزش‌ها منجر به هویت، معانی ذهنی و هنجارها می‌شوند و هنجارها سازنده هویت و هویت‌ها تعیین‌کننده منافع می‌باشند و منافع بر تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران تأثیرگذار هستند. تأکید ونت بر نقش مقوم و شکل‌دهنده تعامل اجتماعی بین‌المللی است. هویت دولت در این نظام شکل می‌گیرد و متحول می‌شود (Price & Reus, 2003: 263-269). از نظر سازه‌انگاران، نظام بین‌الملل بر اساس کدهای قواعد، هنجارها و ملاحظات مبادله‌ای عمل می‌کند که دائماً بازتولید می‌شوند (Knutson, 1997: 281). کنش یا واکنش نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که آنها برای کارگزار قائل هستند. در مقابل کنش واحد از سوی دوست و دشمن، برخوردهای متفاوتی صورت می‌گیرد. چون معنای کنش آنها متفاوت است (Wendt, 1992: 391). در سازه‌انگاری اجتماعی ساختار و کارگزار متقابلاً ساخته می‌شوند. ساختار نظام بین‌الملل متشکل از ایده‌های مشترک است و

1. Nicholas Onuf
2. Alexander Wendt
3. John Baylis, Steve Smith, Patricia Owen.

ایده‌های مشترک مختلف موجب منافع و اقدامات متفاوت می‌شوند. هویت ثابت نیست، بلکه از طریق تعاملات ایجاد می‌شود. هویت، منافع را مشخص می‌کند. منافع ملی باتوجه به تغییرات هویتی تغییر می‌کند. منافع و هویت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (Wendt, 1999: 231). همه‌کنش و واکنش‌های فرد در محیط اجتماعی صورت می‌گیرد و موجب تصمیم‌گیری می‌شود، سیاست خارجی چیزی است که دولت‌ها متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه خود آن را می‌سازند، تصمیم می‌گیرند، تفسیر، اعلام و آن را اجرا می‌کنند (Karimifard, 2012: 245). برخی هویت‌ها و منافع دولتی عمدتاً از روابط با جامعه داخلی و برخی نیز از جامعه بین‌المللی نشأت می‌گیرند (Wendt, 1994: 385). نوع و میزان تعامل و تقابل کنشگران تابع تفسیر آنها از خود و دیگری است (یزدانی، طحانیان زاده، فلاحی، ۱۳۹۶: ۱۷۳-۱۷۲). دولت‌ها با ارجاع به هنجارها و معانی بینادذهنی و سیاست خارجی خود را براساس معانی ذهنی شکل می‌دهند. منافع ملی، برونداد تعامل هنجارها، ارزش‌ها و معانی بینادذهنی است. آدلر هویت دولت‌ها را محور تعریف آنها از «واقعیت» و ساختن مسائلی چون قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن و امنیت، و تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنها می‌داند (Adler, 1997: 7-50). سازه‌انگاران بر بعد بین‌الادذهنی دانش تمرکز می‌کنند، زیرا می‌خواهند بر جنبه اجتماعی وجود انسان و نقش ایده‌های مشترک به‌عنوان ساختار ایده‌آل، محدودکننده و شکل‌دهنده رفتار تأکید کنند (Guzzini and Leander, 2006: 3). هویت دولت حاصل ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده کشور است که دولت‌ها با روایت تاریخ به شیوه خاص، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (رضایی و امید، ۱۳۹۰: ۲۳۶-۲۳۵).

معانی جمعی شکل‌دهنده ساختارها، ساختارها سازمان‌دهنده کنش‌ها، و هویت با مشارکت در این معانی جمعی شکل می‌گیرد (Wendt, 1992: 131). خود ساختارها به‌عنوان پدیده‌های پایدار با تعامل متقابل است که کنشگران براساس آنها هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند (Wendt, 1999: 13). اهمیت شرایط مادی بر اساس منافع است، اما این منافع یک‌چیز نیستند. منافع بازیگران توسط ایده‌ها تشکیل می‌شوند. منافع بازیگران تابع ایده‌ها و شرایط ذهنی و مفاهیم بینادذهنی بازیگران است. منافع و هویت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. هویت بدون منافع، نیروی انگیزشی ندارد و منافع بدون هویت معنا پیدا نمی‌کند. ساختار جدا از فرایند و رویه‌های کنشگران وجود ندارد (Wendt, 1999: 12). مسئله «ساختار-کارگزار» منعکس‌کننده امر فرائظری است (Wendt, 1987: 339) و (۱) انسان‌ها و سازمان‌های آنها را کنشگران هدفمند



می‌داند. ۲) جامعه از روابط اجتماعی تشکیل شده که تعاملات بین کنشگران هدفمند را ساختار می‌دهد. عوامل انسانی و ساختارهای اجتماعی، موجوداتی به یکدیگر وابسته یا به طور متقابل دخیل هستند (Wendt, 1987: 338).

از دید ونت، رفتار بازیگران تابع منافع مبتنی بر ایده‌های مشترک میان آنهاست که بین‌الذهانی هستند و منجر به شکل‌گیری هویت مشترک و رفتار مبتنی بر این منافع و ایده‌های مشترک می‌شوند. (Mengshu, 2020). سازه‌انگاران مخالف رئالیسم ساختاری هستند؛ به این دلیل که ایده‌های مشترک بین‌الذهانی را که اغلب تعیین‌کننده‌تر است و رفتار بازیگران را از طریق تشکیل هویت و منافع آنها شکل می‌دهند کنار می‌گذارند (Guzzini and Leander, 2006: 1). منافع توسط ایده‌ها تشکیل می‌شوند، بدون ایده منافع وجود ندارد، و بدون منافع شرایط مادی معناداری وجود ندارد، و بدون شرایط مادی واقعیت وجود ندارد (Wendt, 1999: 139).

آنچه بازیگران را با هویت‌های متفاوت متمایز می‌کند، ایده‌های مشترک مانند آگاهی و حافظه است (Wendt, 1999, 225). ونت اهمیت ایده‌های مشترک را برجسته کرد. از دید ونت ساختارهای جامعه انسانی توسط ایده‌های مشترک تعیین می‌شود تا نیروهای مادی. گرچه عنصر مادی وجود دارد اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت (Mengshu, 2020). در سازه‌انگاری اجتماعی، دولت‌ها و هویت بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند و در فرآیند متقابل شکل می‌گیرند که در این فرآیند دولت‌ها به هویت مشترکی مبتنی بر برداشت مشترک بین‌الذهانی دست می‌یابند که نتیجه این فرآیند در روابط ترکیه-قطر، نزدیکی روابط دو کشور و با عربستان سعودی تا قبل از بیداری اسلامی بهبود و نزدیکی روابط و پس از بیداری اسلامی گسست و تضاد منافع بود.

انگاره‌های ذهنی مشترک ← برداشت‌های مشترک ← هویت مشترک ← روابط نزدیک ترکیه و قطر

بر این اساس، مقاله به تحلیل نقش هویت، ارزش‌ها، هنجارها، معانی ذهنی و پیشینه تاریخی مشترک ترکیه، قطر و عربستان سعودی از بیداری اسلامی تاکنون با تأملی بر رسانه خواهد پرداخت. در واقع، این مقاله به روابط ترکیه، قطر و عربستان سعودی بر اساس سازه‌انگاری اجتماعی با نگاهی به نقش رسانه می‌پردازد.



۱. پیشینه روابط ترکیه و قطر

روابط ترکیه و قطر در دو مقطع قابل بررسی است:

۱-۱. روابط دوحه، آنکارا قبل از بیداری اسلامی

تاریخچه روابط ترکیه و قطر از ۱۸۷۱ تا سال ۱۹۱۵ باز می‌گردد که قطر بخشی از امپراتوری عثمانی بود. تجزیه عثمانی منجر به شکل‌گیری دولت‌های ملی و شروع تغییراتی اساسی در جهان اسلام شد. ترکیه از دهه ۱۹۸۰ به دنبال تقویت روابط با قطر و کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است. روابط ترکیه و قطر تا دهه ۲۰۰۰، رو به بهبود بوده و دو کشور الگوی نوسازی در جهان اسلام تلقی می‌شدند.

رسانه‌ها نقش مهم و بی‌بدیلی در ایجاد نگرش مدرن به ویژه و در تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا ایفا کرده‌اند. فن‌آوری‌های جدیدی چون فیسبوک، یوتیوب و توییتر آگاهی مردم را افزایش دادند و کمک چشمگیری به معترضان کردند و امکان ارتباط بین مردم را فراهم آوردند (امام جمعه‌زاده، رستم جبری، محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۵). تحولات بیداری اسلامی و پوشش رسانه‌ای این تحولات، حمایت‌های قدرت‌های بزرگ خارجی از نیروهای انقلاب رنگی یا مخملی در داخل کشورها، به دلیل گسترش ارتباطات، درهم شکسته شدن انحصار رسانه‌ای و جدایی مرزهای ملی و کنترل ناپذیر شدن آنها را تسهیل کرد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۴). رسانه‌های اجتماعی برای سازماندهی انقلاب‌های سیاسی همچون مصر به یاری مردم آمدند، معترضان را به هم پیوند دادند (امام‌جمعه‌زاده، رستم جبری، محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۸). ترکیه و قطر در ادامه روابط خود در سال ۲۰۰۴، طرح توسعه ناتو (ابتکار استانبول) را اجرا کردند. در روابط ترکیه و شورای همکاری خلیج فارس که قطر نیز عضو این شورا می‌باشد دو نقطه عطف وجود دارد: ۱- دوم سپتامبر ۲۰۰۸ شورا، ترکیه را شریک راهبردی خود اعلام کرد. ۲- شورا تفاهم‌نامه‌ای با ترکیه امضا کرد که جلسات سالانه گفتگوی راهبردی را برای مشورت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی و فرهنگی ایجاد می‌کرد. ترکیه و قطر در دهه ۲۰۰۰ دارای دیدگاه مشترک و نزدیک در مورد اخوان المسلمین و روابط ویژه با دولت اسد بودند (Baskan, 2019: 88-89). بازدیدهای دو جانبه سران و تجارت دو کشور در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۲، افزایش چشمگیری یافت (Baskan, 2019: 87). جدول زیر نشان دهنده افزایش حجم تجارت خارجی دوحه-آنکارا قبل از دوره موسوم به بیداری اسلامی است.



جدول ۱. روابط تجاری ترکیه-قطر تا قبل از بیداری اسلامی (میلیون دلار)

واردات		صادرات		نوع تجارت
۲۰۱۰	۲۰۰۲	۲۰۱۰	۲۰۰۲	سال
۱۷۷	۱۰	۱۶۲	۱۵	قطر
۱۵۵۷	۱۳۰	۲۳۷۹	۵۶۹	جمع کل

منبع: مؤسسه آمار ترکیه

ترکیه و قطر از زمان قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ و آغاز تحولات بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، در تلاش برای حضور فعال در غرب آسیا و شمال آفریقا بوده‌اند. مناسبات دو کشور پس از بیداری اسلامی رو به گسترش بوده و دو کشور در تلاش برای ارائه چهره‌ای مطلوب از خود در منطقه و فراتر از آن و نیز حضور فعال و ایفای نقش میانجی در بحران‌های منطقه‌ای و کسب و ارتقا جایگاه در رقابت برای افزایش حضور در شاخ آفریقا از طریق کمک اقتصادی و حمایت سیاسی بوده‌اند (Yüksel and Tekines, 2021: 4-5).

۲-۱. روابط ترکیه، قطر و عربستان سعودی پس از بیداری اسلامی

بیداری اسلامی روابط آنکارا-دوحه را با چالش مواجه کرد و منازعه سیاسی بین چهارگانه عربی^۱ و محور قطر-ترکیه را به وجود آورد. انقلاب‌های عربی تهدیدی وجودی برای عربستان سعودی و قلمداد می‌شدند، در نتیجه ریاض به حمایت از مخالفان اسد پرداخت و ترکیه قطر به پناهگاه رهبران قیام‌ها بدل شدند. برخی از چهره‌های اخوان در استانبول^۲ و برخی در دوحه ساکن شدند. دوحه، بیداری اسلامی را فرصتی برای رهایی از ریاض و جستجوی شرکا و ارتباطات خارجی از طریق شبکه‌های اخوان المسلمین و باقی ماندن در شورای همکاری خلیج فارس می‌دانست. پایه‌های اصلی سیاست قطر نزدیکی به ترکیه، تقویت جریان‌های اسلام‌گرا و حفظ روابط دوستانه با ایران بود.^۳ بخش عمده‌ای از ادبیات کنونی در مورد همکاری ترکیه و قطر به اهمیت ایدئولوژی مشترک توجه دارد (Yüksel and Tekines, 2021: 13). شبکه سازمانی و زیرساخت سیاسی اخوان المسلمین به عنوان ظرفیتی مهم برای ترکیه و قطر عمل می‌کند (Yüksel and Tekines, 2021: 16). پایگاه نظامی ترکیه در قطر از مصادیق همکاری دوحه-آنکارا است.

۱. عربستان، امارات، مصر، بحرین

۲. یوسف القرضاوی و عمر عبدالکافی

3. Based on an interview with Professor Allen J. Fromherz, Director of the Middle East Studies Center at Georgia State University (23 November 2020).

پس از بیداری اسلامی، دولت سوریه اصلاحاتی را انجام داد، اما با مداخله آمریکا و عربستان سعودی گروه‌های شورشی مسلح از جمله ارتش آزادسوریه^۱ در تابستان ۲۰۱۱ تشکیل شد. ترکیه در ابتدا اسد را به کناره‌گیری و اصلاحات ترغیب و مجازات‌هایی را علیه او وضع کرد؛ سرانجام در مارس و می ۲۰۱۲ سفارت خود را در سوریه بست و دیپلمات‌های سوری را اخراج کرد. قطر در ماه‌های اولیه بحران سوریه بی‌طرف بود: ۱- در ژوئیه ۲۰۱۱ و پس از حمله معترضان طرفدار اسد به سفارت خود در دمشق، سفارت خود را بست و سفیر خود را فراخواند. ۲- در نوامبر ۲۰۱۱ برای تعلیق عضویت سوریه و اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه دمشق در اتحادیه عرب تلاش کرد. ۳- در ژانویه ۲۰۱۲، کشورهای عربی را به مداخله نظامی در سوریه فراخواند. آنکارا از ۲۰۱۶، در تعقیب اهداف خود به‌طور فزاینده از قدرت نظامی استفاده کرده است (Aysegul, 2020: 156-157). عربستان سعودی و برخی کشورهای شورای همکاری، از گروه‌های تکفیری سوریه حمایت کردند. آنها خواستار تشکیل دولتی همسو با منافع خود در منطقه و سوریه بودند تا مانع نفوذ ایران باشد. از جمله اقدامات ریاض، حمایت مالی-تسلیحاتی از مخالفان، تحریک اختلافات قومی-مذهبی، به‌کارگیری ابزارهای نرم‌افزاری، تبلیغاتی و جنگ روانی بود (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹-۸۸). ترکیه و قطر در آغاز سال ۲۰۱۲ به این نتیجه رسیدند که دولت اسد باید سرنگون شود (Baskan, 2019: 89-91). تقابل رسانه‌ای ریاض-آنکارا نتیجه رقابت آنها در عرصه‌های سیاسی، هویتی و ژئوپلیتیکی با ماهیت نفوذ در مناطق مختلف از غرب آسیا تا شاخ آفریقا است. جنگ رسانه‌ای ریاض-آنکارا، مکملی از حوزه هویتی، رقابت منطقه‌ای، الگوی نظم منطقه‌ای، همگرایی خفیف تا واگرایی عمیق است. رسانه ابزاری در خدمت راهبرد رقابت و منازعه ریاض و آنکارا است (مطهری، ۱۳۹۹).

۲. تبیین علل نزدیکی گفتمان^۲ و روابط ترکیه و قطر بر اساس نظریه تحقیق

نزدیکی روابط ترکیه و قطر بین ۲۰۲۰-۲۰۱۱، نتیجه عوامل هویتی، برداشت‌ها و گفتمان مشترک بوده است. در سازه‌انگاری اجتماعی، انگاره‌ها و فهم معانی بین‌الذهانی در شکل‌گیری هویت مشترک مهم است. برخی عوامل موجب شکل‌گیری هویت مشترک در برخی موضوعات و نزدیکی منافع دوحه-آنکارا شده که عمدتاً هویتی هستند:

1. Free Syrian Army (FSA)
2. Discourse



۲-۱. رویکرد ترکیه و قطر در مورد اخوان المسلمین

نخبگان قطر، اخوان المسلمین را سازمانی برای تعامل می‌دانند. قطر حامی مالی اخوان و گروه‌های مرتبط با آن می‌باشد. مهمترین نقطه اشتراک گفتمان دوحه-آنکارا، اخوان المسلمین و موضع دو کشور در مورد آن بوده است. قطری‌ها برای مستقل ماندن از عربستان سعودی و تبدیل شدن به بازیگر مهم بین‌المللی، روابط قوی با اخوان المسلمین را حفظ می‌کنند. الجزیره نقش اساسی در سیاست خارجی قطر در تبدیل شدن به بازیگر بین‌المللی دارد (Lipp, 2019: 2). حزب عدالت و توسعه به شدت به «سنت فکری^۱» اخوان پایبند است. حاکمان قطر وهابی هستند، همانگونه که حاکمان سعودی هستند و بزرگترین مسجد دولتی در دوحه به نام بنیان‌گذار وهابیت^۲ نامگذاری شده است (Baskan, 2016). مطرح‌شدن اخوان المسلمین، می‌توانست مخالفان اسلام‌گرای داخلی عربستان سعودی را احیا کند. عربستان سعودی نگران تشکیل بلوک منطقه‌ای و همراستا با اخوان المسلمین بود. قطر و ترکیه دارای انگاره‌ها، برداشت‌ها و منافع مشترک هستند و متقابلاً یکدیگر را متحد دوگانه و نزدیک در مقابل عربستان سعودی در موضوعات منطقه‌ای تلقی می‌کنند و دارای تضاد ایدئولوژیک با ریاض هستند.

۲-۲. ظهور حزب اتحاد دموکراتیک سوریه^۳

یکی دیگر از نقاط اشتراک ترکیه و قطر، ظهور حزب اتحاد دموکراتیک بود. دوحه-آنکارا دارای پیوندهای هویتی و برداشت‌های مشترکی در این خصوص بودند. واکنش ترکیه، قطر و عربستان سعودی به این مسئله، دارای اهمیت زیادی است. ظهور حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه، به دلیل ایجاد احساس تهدید از شکل‌گیری سرزمین‌گردی مستقل در مرزهای ترکیه موجب نگرانی آنکارا شد (حامدآزاد و ابراهیمی‌فر، ۱۳۹۷: ۴۹). ترکیه در سال ۲۰۱۶ در سوریه مداخله نظامی کرد و از گسترش قلمرو حزب اتحاد دموکراتیک جلوگیری کرد. حمله دوم ترکیه در ژانویه ۲۰۱۸، حزب اتحاد دموکراتیک و نیروهای شورشی را مورد هدف قرار داد. مداخله ترکیه در شمال سوریه با سکوت عربستان سعودی و حمایت قطر همراه شد که منجر به طولانی‌شدن منازعه سوریه و تحلیل دولت سوریه و متحدان آن می‌شد (Baskan, 2019: 96). همسویی قطر با ترکیه موجب نزدیکی گفتمان و روابط دو کشور شد.

1. Intellectual Tradition

2 Muhammad bin Abdul Wahab

3. Democratic Union Party (PYD)

۳-۲. روابط دوحه و آنکارا پس از بحران دوم خلیج فارس

از دیگر عوامل پیوند دهنده و نزدیکی منافع قطر و ترکیه، تأثیر تحریم قطر در ژوئن ۲۰۱۷ توسط عربستان سعودی، امارات، بحرین و مصر بود. تنش میان قطر و محور چهارگانه پس از سفر ترامپ به ریاض در ۲۰ می ۲۰۱۷ بروز کرد. امیر قطر^۱ ایران را «قدرت بزرگ» نامید و روابط قطر با ایران را «خوب» توصیف کرد. امیر قطر گفت «ایران از اهمیت منطقه‌ای و اسلامی برخوردار است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت و لذا تشدید اوضاع با این کشور به دور از حکمت و تدبیر است». این اظهار نظر موجب واکنش تند چهار کشور عربی و قطع روابط با دوحه شد^۲ و اقدامات تنبیهی از جمله تحریم و ممنوعیت هرگونه تردد انجام دادند. ترکیه که در بحران دوم قطر بی‌طرف و خواستار حل بحران از طریق گفت‌وگو شد، به حمایت از قطر پرداخت و چندین تن مواد غذایی را به قطر ارسال کرد. پارلمان ترکیه پس از تشدید بحران، قانون استقرار نیروهای نظامی در قطر را به تصویب رساند. یکی از خواسته‌های محور عربی برای پایان دادن به بحران قطر، تعطیلی پایگاه نظامی ترکیه بود. موضع ترکیه واکنش عربستان سعودی را در پی داشت (Baskan, 2019: 96-98).

۴-۲. اختلاف قطر و عربستان سعودی در شورای همکاری خلیج فارس

گرچه شورای همکاری، همواره الگویی از انسجام بوده، اما اختلافاتی نیز میان اعضا وجود دارد. براساس سازه‌نگاری، فهم بین‌الذهانی و برداشت‌های بازیگران از منافع، شکل‌دهنده رفتار آنهاست. قطر دارای زمینه هویتی مشترک عربی با عربستان سعودی است اما به واسطه بحران سال ۲۰۱۷، این زمینه هویتی مشترک کارایی چندانی در سیاست خارجی قطر نداشت و منجر به مواجهه با عربستان سعودی و نزدیکی به ترکیه شد. در ۵ ژانویه ۲۰۱۷ به دلیل اختلاف دیدگاه قطر و عربستان سعودی، میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس^۳ اختلاف و شکاف سیاسی و چنددستگی پدید آمد که عربستان سعودی و سایر اعضا علیه قطر متحد شدند. اختلاف قطر و عربستان سعودی، به واسطه حمایت قطر از اخوان المسلمین و دشمنی عربستان سعودی با این گروه بود. روابط قطر-ترکیه، جاه‌طلبی‌های دوحه و گسست قطر از سیاست‌های عربستان سعودی در منطقه موجب نگرانی سعودی‌ها و تحریم از سوی کشورهای چهارگانه

1. Sheikh Tamim bin Hamad Al Thani

2. Collection of articles of the Strategic Thought Institute (August 2017)

۳. بحرین، امارات، مصر، عربستان



عربی شد (عالیشاهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۹). ریشه بحران، سیاست مستقل و نقش قطر در شورای همکاری، تحولات عربی غیرهمسو با سیاست‌های عربستان سعودی، نگاه منفی به عربستان سعودی در میان ملل عرب و شورای همکاری، روابط خوب قطر با ایران، ترکیه، سوریه و قدرت‌ها (ایالات متحده) و گروه‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌ها بود (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۸). ترکیه پس از تحریم قطر توسط ریاض، با کمک‌رسانی و استقرار پایگاه و نیروی نظامی در دوحه، هرگونه گزینه نظامی علیه قطر را خنثی کرد (Amour, 2018). ترکیه از سال ۲۰۱۷ بزرگ‌ترین شریک تجاری قطر است. دوحه اقدام به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی، اختصاص ۳ میلیارد دلار برای خرید لیر ترکیه و ممانعت از سقوط ارزش آن در بحران ارزی ۲۰۱۸ کرد. ترکیه همچنین اقدام به استقرار صنایع نظامی در قطر با هدف تولید مشترک تجهیزات نظامی-دفاعی مورد نیاز قطر در ازبیر و احداث پایگاه نظامی با ظرفیت ۵ هزار نفر در قطر با موافقت پارلمان ترکیه کرد که ۳ هزار نظامی ترک در آن مستقر شدند تا هم تضمینی امنیتی برای دوحه و هم ترکیه از قطر به‌عنوان دارایی راهبردی خود استفاده لازم را ببرد. از دیدگاه ترکیه، قطر نقش اساسی در حمایت از رویکرد منطقه‌ای و توسعه‌طلبانه ترکیه با تکیه بر گفتمان و تفسیراخوانی از اسلام ایفا می‌کند.

جدول ۲. درصد رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

کشور	قطر	عربستان سعودی	امارات	امان	کویت	بحرین
شاخص GDP	۳/۲	۲/۸	۲/۵	۱/۶	۱/۳	۱/۲

منبع: The World Bank, (spring 2016)

۵-۲. دیدگاه قطر در مورد بیداری اسلامی

بیداری اسلامی مسئله‌ای هویتی در غرب آسیا و شمال آفریقا بود، که رویکرد دوحه به آن «همسویی با این جنبش‌ها، تقویت صدای معترضان، حمایت‌گزینشی از این خیزش‌ها، حمایت مستقیم از مخالفان اسد، مشارکت در اجرای منطقه پرواز ممنوع در لیبی، حمایت اقتصادی از اخوان المسلمین و گفتمان اخوانی و دولت‌های برآمده از آن در مصر و تونس» بود. قطر به دلیل پوشش گسترده شبکه الجزیره طرفدار این قیام‌ها بود (Kinninmont, 2019: 11). قطر درصدد ایفای نقش چندجانبه و فعال در این تحولات برآمد که ناشی از تعریف چندگانه نقش‌ها و منافع این کشور با توجه به فهم بین‌الادھانی در سیاست خارجی بوده است (عبدخدایی و تبریزی،

۱۳۹۴: ۱۸۵). قطر با تعریف نقش جدید برای خود برای حضور فعال و ایفای نقش میانجی در مناقشات منطقه‌ای (دارفور، اتیوپی، فلسطین، یمن، افغانستان و...)، تحولات عربی را فرصتی برای تحکیم موقعیت، به دست آوردن اعتبار منطقه‌ای و نمایش خود به‌عنوان حامی ملت‌های عرب بود. قطر از بازیگران فعال در بحران سوریه و مخالف بشار اسد بوده و از معارضان سوری از جمله اخوان المسلمین و ارتش آزاد سوریه حمایت می‌کرد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۹۶-۱۹۵). گسترش روابط ترکیه-قطر منجر به افزایش احساس تهدید فزاینده در عربستان سعودی و امارات در رابطه با سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و نزدیکی دیدگاه‌ها، برداشت‌های مشترک و ایجاد هویت مشترک و نزدیکی روابط با دوحه شد (Benli Altunisik, 2020: 6-7). از جمله انگاره‌های مشترک دو کشور حمایت از اخوان المسلمین بود. احساس هویت مشترک منجر به ایجاد منافع مشترک و هویت مشترک منجر به برداشت مشترک و شکل‌گیری گفتمان همسو و روابط نزدیک دو کشور با یکدیگر می‌شود.

۳. کاربست نظریه تحقیق با تأملی بر نقش رسانه

چارچوب تحلیل در این مقاله سازه‌انگاری اجتماعی است که براساس آن انگاره‌های ذهنی و برداشت‌های مشترک منجر به هویت مشترک می‌شود. همچنان که درمورد ترکیه، قطر و عربستان سعودی هویت مشترکی را پدید آورد که تا پیش از بیداری اسلامی موجب بهبود روابط آنها و پس از بیداری اسلامی، موجب گسست هویتی ریاض-آنکارا شد که برونداد آن تضاد و اختلاف این انگاره‌های مشترک است. گاهی سایر عوامل خارجی بر این زمینه‌های مشترک تأثیر می‌گذارند. در مورد ترکیه و قطر، علاوه بر عناصر تأثیرگذار داخلی هویتی برخی عوامل از جمله نقش رسانه‌ها نیز منجر به شکل‌گیری دیدگاه مشترک و نزدیکی انگاره‌ها و برداشت‌ها و تفسیرهای دو کشور که در نهایت در سال ۲۰۱۷ به دنبال تحریم قطر توسط عربستان سعودی، روابط دوحه و آنکارا نزدیک‌تر شد. دیدگاه منفی عربستان سعودی در مورد شبکه العالم و پرس‌تی‌وی و شبکه‌های وابسته به ایران، باعث شد عربستان سعودی اقداماتی را در جهت قطع پخش ماهواره‌ای برخی از آنها مانند العالم انجام دهد.

۳-۱. ریشه‌های اختلافات ترکیه و عربستان سعودی

اختلافات ترکیه و عربستان سعودی پس از بیداری اسلامی به دلیل تفسیر متفاوت و متضاد در خصوص اهداف و سیاست‌های آنها از جمله حمایت ترکیه از اخوان المسلمین بیشتر شده است.



یکی از مصادیق آن تحولات لیبی بود که در نهایت به تشدید تنش‌های سیاسی عربستان سعودی و ترکیه منجر شد؛ تا جایی که عربستان سعودی در کنار تحریم صنعت گردشگری ترکیه به تحریم اقتصادی و ممنوعیت خرید و فروش هرگونه کالای ترکیه‌ای روی آورد. ترکیه و عربستان سعودی خود را مدعی رهبری جهان تسنن می‌دانند. ترکیه با توجه به زیرساخت‌های سیاسی و اجتماعی، تلاش کرده خود را در مقایسه با عربستان سعودی کشوری میانه‌رو، دموکراتیک‌تر و رهبر جهان اسلام نشان دهد. عربستان سعودی با توجه به جایگاهش در میان کشورهای عربی و نیز با توجه به اینکه اعراب خاطرۀ خوبی از عثمانی‌ها ندارند، خود را شایسته رهبری اهل تسنن می‌داند. دو کشور همواره در تلاش برای بلوک‌بندی و ائتلاف منطقه‌ای بوده‌اند تا خود را قوی‌تر از دیگری نشان دهند. اختلافات ترکیه و عربستان سعودی ریشه در گذشته و رقابت‌های منطقه‌ای آنها برای رهبری منطقه دارد.

۲-۳. نشانه‌های بهبود روابط ریاض، آنکارا و دوحه

علی‌رغم اختلافات ریاض با آنکارا و دوحه، نشانه‌هایی از بهبود روابط مشاهده شده است. پیش زمینه ابراز تمایل سعودی‌ها برای حل اختلافات با قطر، تماس تلفنی ملک سلمان با اردوغان، ساعاتی قبل از برگزاری مجازی اجلاس سران گروه ۲۰ (۲۲ و ۲۳ نوامبر ۲۰۲۰) در ریاض بود که سلمان بر تمایل برای مذاکره و تقویت روابط دوجانبه تأکید کرد. این تماس در اوج حملات رسانه‌ای شرکت‌های سعودی علیه ترکیه و کالاهای ساخت این کشور بود. تحریم کالاهای ترک توسط عربستان سعودی با دومین سالگرد ربودن و قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار مخالف بن سلمان در استانبول در تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۱۸ همزمان شد. در اواخر مارس ۲۰۲۲ با انتشار خبر درخواست دادستانی ترکیه برای انتقال پرونده قتل خاشقچی به عربستان سعودی، آنکارا تلاش می‌کند تا روابط خود را با ریاض عادی کند (Euronews, 2022). مرور روزنامه‌های سعودی بعد از تماس تلفنی ملک سلمان و اردوغان نشان دهنده فروکش کردن این حملات است. علی‌رغم اختلافات ترکیه و عربستان سعودی در موضوعات مختلف، دو کشور تصمیم گرفته‌اند که روابط خود را بر اساس منافع مشترک کنار گذاشتن دشمنی‌های سابق بازتعریف کنند.

۴. نقش شبکه‌های بین‌المللی و برون‌مرزی ایران در پوشش تحولات بیداری اسلامی

۴-۱. پرس‌تی‌وی و بیداری اسلامی

شبکه پرس‌تی‌وی پس از بیداری اسلامی، نقش مهمی در بازنمایی این تحولات در دو بعد داخلی و خارجی داشته است: در بعد داخلی، پرس‌تی‌وی به پوشش تحولات داخلی، لزوم انجام اصلاحات در این کشورها، نفی مستقیم رژیم حاکم بر این کشورها و مبارزه با مصادیق فساد، سرکوب و شکنجه مردم و برجسته‌سازی موضوعاتی مانند نقض حقوق بشر و نقض آزادی‌های مذهبی توسط این رژیم‌ها تأکید می‌کرد. در بُعد خارجی نیز بر نفی مداخله خارجی و عدم‌انزوای این کشورها به دنبال وقوع بیداری اسلامی تأکید دارد. پرس‌تی‌وی در بُعد خارجی، مسائل را به گونه‌ای مطرح کرده که بیانگر سیاست خبری و گفتمان آن در رابطه با آن کشورها بوده است (بشیر و وحیدی‌فردوسی، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷).

۴-۲. رویکرد العالم به بیداری اسلامی

شبکه العالم از ۲۰۰۳ به‌عنوان رسانه برون‌مرزی ایران، با استفاده از ظرفیت‌های خود وارد عرصه شد و دیدگاه و نگرش متفاوت مبتنی بر حضور روح اسلام و اسلام‌گرایی، استبدادستیزی و مخالفت با رژیم صهیونیستی را با مخاطبان در جهان در میان گذاشت. العالم تلاش کرده با استفاده از ظرفیت‌های خود اخبار و رویدادها در این کشورها را در اختیار میلیون‌ها مخاطب خود قرار دهد. العالم با تکیه بر اصل ظلم‌ستیزی «حرکت‌های انقلابی در تونس»، بنیاد اسلام‌خواهی آن را پس از حضور گسترده مردم مصر در میدان التحریر گذاشت. العالم در این مسیر با تکیه بر حضور جریان‌های اسلام‌گرا، تلاش کرد تا به پشتوانه مردمی و اسلامی این انقلاب‌ها پردازد. «بیداری اسلامی» از مهمترین محورهای رسانه‌ای بود. العالم به هرکدام از کشورهای درگیر بیداری اسلامی با توجه به شرایط این کشورها رویکرد متفاوتی داشت (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۱۶-۱۱۱).

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ تاکنون بر دو بُعد مادی و معنایی استوار بوده است. بر اساس چارچوب‌نظری پژوهش (نظریه سازه‌انگاری)، ارجاع به هویت‌ها، پیشینه تاریخی و تأکید بر هویت‌گرایی ترک، شکل‌دهنده منافع، هویت و برداشت سیاست‌گذاران ترک بوده است.



ترکیه به دنبال احیای عظمت و شکوه دوران امپراتوری عثمانی بوده است. از آنجا که عربستان سعودی نیز بخشی از امپراتوری عثمانی بوده است روابط ترکیه و عربستان سعودی نیز تا پیش از بیداری اسلامی در حال گسترش بود، اما دو کشور با وقوع بیداری اسلامی دچار اختلافات ایدئولوژیکی بر سر موضوعات منطقه‌ای شدند. انگاره‌های ذهنی مشترک منجر به برداشت‌های مشترک و شکل‌گیری هویت مشترک و روابط نزدیک ترکیه و قطر شده است. از جمله این برداشت‌های مشترک، اخوان المسلمین و برخی موضوعات از جمله بحران سوریه بوده است. روابط قطر و ترکیه به‌ویژه پس از بحران سوریه به واسطه نگاه و برداشت مشترک دوطرف به موضوعات منطقه‌ای رو به گسترش بوده است. از آنجایی که ترکیه و قطر به دنبال ایفای نقش فعال در منطقه برآمده‌اند، این موضوع را نیز می‌توان به‌عنوان زمینه و برداشت مشترک دو کشور قلمداد کرد. قطر و ترکیه با اتکا به هویت و برداشت‌های مشترک خود، در حوزه نظری و عملی گفتمان مشترکی را در حمایت از اخوان المسلمین شکل داده‌اند.

با وقوع بیداری اسلامی و بحران سوریه، نقش پررنگ رسانه‌ها در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورها و عمق‌بخشیدن به بحران و یا کاهش زمینه‌های بحران، اهمیت بسیاری داشت. ترکیه و قطر با تکیه بر نقش رسانه‌ها به دنبال مقابله با برتری‌جویی عربستان سعودی در منطقه و همچنین به‌عنوان معرفی خود به‌عنوان الگوهای مدرن پیشرفت در منطقه برآمده‌اند. با وقوع بیداری اسلامی شبکه الجزیره، العالم و پرس‌تی‌وی نقش پررنگی در انعکاس صدای معترضان داشتند و با آنها همسو شدند. با تقابل قطر و عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ و تحریم قطر، دوحه و ریاض در موقعیت تقابل قرار گرفتند و زمینه ورود ترکیه به ائتلاف با قطر فراهم شد. قطر از نظر تاریخی دارای روابط حسنه با ترکیه بوده است و به دلیل درگیری با عربستان سعودی و تحریم توسط ریاض، مورد حمایت ترکیه قرار گرفت. آنکارا در حمایت از دوحه، اقدام به استقرار پایگاه و نیروهای نظامی در این کشور کرد. اختلافات عمیق و ریشه‌دار کشورهای خلیج فارس، به‌ویژه اختلافات سیاسی، ایدئولوژیکی قطر و عربستان سعودی و رقابت آنها بر سر نفوذ منطقه‌ای، باعث بحرانی شدن اوضاع خلیج فارس شده و علاوه بر تأثیر منفی بر روابط کشورهای خلیج فارس، اختلافات قدیمی را تشدید نموده است. ونت ایجاد هویت‌ها و منافع کشورها را در جریان تعامل می‌داند. وی منافع را به‌عنوان نتیجه فرآیند در نظر می‌گیرد. از نظر ونت، ساختار و کارگزاران بر یکدیگر و بر منافع و هویت کشورها اثر متقابل دارند. منافع و هویت ترکیه و قطر از دیدگاه سازه‌انگاری بر اساس گفتمان مشترک دو کشور شکل می‌گیرد. در سازه‌انگاری اجتماعی،

دولت‌ها و هویت بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. دوحه و آنکارا با استناد به این انگاره‌های هویتی، گفتمان مشترک و همسو با یکدیگر، روابط نزدیکی برقرار کرده‌اند.

با توجه به اختلافات هویتی و گفتمان غیرهمسو و غیرمشترک برخی اعضای شورای همکاری خلیج فارس و درگیری برخی اعضا با قطر، پایه‌های شورا متزلزل است و ماهیت ایدئولوژیک این اختلافات، منجر به تنش مداوم میان اعضا می‌شود. روابط ترکیه و قطر با بیداری اسلامی و همکاری و همفکری دو کشور در بحران سوریه تقویت و با بحران خلیج فارس به یک اتحاد تبدیل شد. ترکیه و قطر با تکیه بر انگاره‌ها، برداشت‌ها و هویت مشترک خود، روابط را با یکدیگر تعریف کرده‌اند. «برداشت بین‌الذهانی مشترک ترکیه-قطر، ادراکات برگرفته از ایدئولوژی اخوان‌المسلمین منجر به هویت مشترک شد، و رسانه زمینه شکل‌دهی و نزدیکی رفتار منطقه‌ای دوحه-آنکارا و زمینه ایجاد شکاف در روابط ترکیه-عربستان سعودی را فراهم کرد». ترکیه و قطر به دنبال بسط و گسترش گفتمان اخوانی در غرب آسیا و شمال آفریقا بوده‌اند، لذا نزدیکی ترکیه و قطر از پیامدهای نزدیکی گفتمان و پیشینه هویتی دو کشور است که در نتیجه آن زمینه تضاد دیدگاه و تنش و گسست روابط ترکیه با عربستان سعودی را فراهم کرد. از سال ۲۰۲۰، نشانه‌هایی از بهبود روابط عربستان سعودی با ترکیه و قطر مشاهده شده است. سناریوی محتمل در روابط سه کشور، این است که روابط در کوتاه‌مدت بهبود یابد ولی در بلندمدت با توجه به اختلافات راهبردی و ایدئولوژیکی، این بهبود روابط دائمی نخواهد بود.

به نظر می‌رسد با توجه به تمایل سه کشور برای گسترش روابط، در آینده تقویت بیشتر روابط و ایفای نقش سه‌جانبه دوحه، آنکارا و ریاض در دستور کار خواهد بود. البته با توجه به نگاه راهبردی ترکیه در منطقه، تقابل ریاض با آنکارا مجدداً بر سر موضوعات دیگری صورت خواهد گرفت و بهبود روابط موقتی و کوتاه‌مدت خواهد بود. برخی وقایع مانند قتل جمال خاشقچی منجر به تنش در روابط ترکیه و عربستان سعودی شد و رسانه‌ها از طریق انعکاس این رخداد تأثیر بسزایی در تقابل دو کشور داشتند. این در حالی است که روابط ترکیه و عربستان سعودی پس از قتل جمال خاشقچی در سال ۲۰۱۸ به پایین‌ترین سطح خود رسید. در نتیجه، آنچه حاصل این تحقیق می‌باشد این است که ترکیه و قطر با استفاده از اهمیت رسانه‌ها، به دنبال مقابله با برتری‌جویی عربستان سعودی در منطقه و در جهت اهداف خود بوده‌اند.



پیشنهادهای رسانه‌ای

- ۱- رسانه‌های برون مرزی ایران بهتر است به‌طور مقتضی و با رویکرد کنش‌گرایانه از مناسبات و منازعات سه کشور ترکیه، قطر و عربستان سعودی بهره‌برداری کنند.
- ۲- کم‌رنگ کردن برتری‌جویی عربستان سعودی در منطقه با تقویت نقش رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های کشورهای اسلامی از جمله ترکیه، قطر و ایران و گسترش تعاملات بر اساس مقتضیات سیاسی روز و تشکیل باشگاه‌های رسانه‌ای میسر است.
- ۳- شبکه‌هایی مانند العالم، هرچه بیشتر با استفاده از کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای ترکیه، قطر و عربستان سعودی هر چه بیشتر به بررسی تحولات گذشته و جاری میان این سه کشور بپردازند. استفاده از کارشناسان سه کشور به‌همراه کارشناسان ایرانی، در اقناع مخاطبان حائز اهمیت است.
- ۴- بر اساس یافته‌های این مقاله، شبکه‌های برون مرزی مانند العالم، الکوثر، شبکه عربی-آفریقایی، سیمای آذری شبکه سحر و رادیو استانبولی به ریشه‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های اختلافات ترکیه و عربستان سعودی هر چه بیشتر بپردازند.
- ۵- علل شکست محور اخوانی پس از دوره بیداری اسلامی و همچنین علل چرخش‌های متعدد در سیاست خارجی ترکیه در قبال امارات و عربستان سعودی از زبان کارشناسان تبیین شود.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

- پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی به دو موضوع ذیل توجه لازم صورت گیرد:
- ۱- تأثیر پوشش رویدادهای منطقه غرب آسیا توسط شبکه‌های برون مرزی بر مناسبات کشورهای اسلامی و تحولات روابط آنها تحلیل و تبیین شود.
 - ۲- نقش رسانه‌ها و شبکه‌های بین‌المللی مهم اروپا و آمریکا بر سیر تحولات منطقه غرب آسیا تحلیل شود.

منابع و مأخذ منابع فارسی

- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد، رستم جبری، ساناز، محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۳)، «دومینوی تحولات بهار عربی در بستر جهانی شدن و توسعه ارتباطات»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، دوره ۱۰، شماره ۲۸، صص ۱۶۲-۱۴۱.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (۱۳۹۱)، «تأثیرات بهار عربی و انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز»، **مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۳۶-۹.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، «جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین: زمینه تاریخی و نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها»، جلد ۱، مترجم: راه‌چمنی، ابوالقاسم. تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عالیشاهی، عبدالرضا و مسعودنیا، حسین و فروزان، یونس (۱۳۹۶)، «بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی؛ از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی**، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۷۲-۴۹.
- عبدخدایی، مجتبی و تبریزی، زینب (۱۳۹۴)، «بررسی نقش آفرینی قطر در مسئله فلسطین بعد از تحولات منطقه»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، دوره ۴، شماره ۱۵ (پیاپی ۴۵)، صص ۲۰۰-۱۷۹.
- دانش‌نیا، فرهاد و نظریور، داود و سلیمی، آرمان (۱۳۹۴)، «فهم سیاست‌ خارجی ترکیه در پرتو دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اغلو»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره نخست، شماره هفدهم.
- درج، حمید، التیامی‌نیا، رضا (۱۳۹۷)، «تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی»، **مطالعات سیاسی جهان اسلام**، دوره ۷، شماره ۳ (پیاپی ۲۷)، صص ۵۴-۲۳.
- خدابخشی، لیلا، ازغندی، علیرضا، هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی درباره تحولات سوریه (۲۰۱۹-۲۰۱۱)»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، دوره ۱۷، شماره ۲، (پیاپی ۶۶)، صص ۹۵-۷۷.



محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۷)، «تحلیل ژئوپلیتیکی گسست روابط سیاسی عربستان سعودی و قطر و تأثیر آن بر آینده شورای همکاری خلیج فارس»، **مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)**، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۲۰۶-۱۸۷.

امیدی، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، «عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۶۷-۲۳۱. بشیر، حسن و وحیدی‌فردوسی، علی (۱۳۹۲)، «بازنمایی تحولات اخیر جهان اسلام در گفتمان شبکه پرس‌تی‌وی»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره دوم، صص ۲۹-۵۰.

جعفری، کریم (۱۳۹۰)، «بررسی رویکرد شبکه العالم به تحولات بیداری اسلامی»، **فصلنامه رسانه**، سال ۲۲، شماره ۳ و ۴، صص ۱۲۶-۱۰۷.

یزدانی، عنایت‌اله و طحانیان زاده، عاطفه و فلاحی، احسان (۱۳۹۶)، «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ترکیه و عربستان سعودی در بحران سوریه»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۹۲-۱۶۹.

مفیدی‌احمدی، حسین (۱۳۹۳)، «تغییر رویکرد گروه‌های اسلامی ترکیه در روند الحاق به اتحادیه اروپا»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال چهارم، شماره ۳، (پیاپی ۱۲)، صص ۱۷۷-۲۰۲.

حامدآزاد، امیر، ابراهیمی‌فر، طاهره (۱۳۹۷)، «شبه نظامیان شمال سوریه و آینده نظام سیاسی دمشق»، **فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی**، دوره هفتم، شماره اول، شماره پیاپی ۲۳، صص ۴۶-۸۹.

یورو نیوز (۲۰۲۲)، «تلاش آنکارا برای عادی‌سازی روابط با ریاض؛ دادستانی ترکیه خواستار توقف محاکمه متهمان به قتل خاشقچی شد»، دسترسی در تاریخ ۹ مارس ۲۰۲۲ به آدرس زیر:

<https://per.euronews.com/2022/03/31/prosecutor-seeks-end-to-khashoggi-murder-trial-in-turkey>

منابع انگلیسی

World Bank (2016), GCC: Economic Outlook- Spring 2016, (Accessed 9 May 2022): <https://www.worldbank.org/en/country/gcc/publication/economic-outlook-spring-2016>

Adler, E. (1997), Seixing the Middle Ground: Constructivism in World Politics, **European Journal of International Relations**, vol. 3, No. 3. pp. 319-363.

Alikhani, Mehdi (1396), Identity in Saudi Arabia's foreign policy and its regional implications. *International Studies, Quarterly, (ISJ)*, Fourteenth Year, No. 3, pp. 210-180.

- Amour, Abdul Rahman (2018), He did not start with Erdogan and Amir Tamim, How did the alliance between Qatar and Turkey begin during the Ottoman era? Arabic Post.
- Baylis, John. Smith, Steve. Owen, Patricia. (2004), **The Globalization of World Politics, An Introduction to International Relations**, Oxford University Press.
- Baskan, B, (2019), Turkey between Qatar and Saudi Arabia: Changing Regional and Bilateral Relations, **Uluslararası İlişkiler**, Vol. 16, No. 62, 2019, pp. 85-99.
- Benli Altunisik, M. (2020), The New Turn in Turkey's Foreign Policy in the Middle East: Regional and Domestic Insecurities, **FEPS – Foundation for European Progressive Studies**.
- Ellithy, a m h. (2015), **Turkish-Saudi Relations: From A Regional Perspective In The Period From 2003 Until 2013, 2015**, The Degree Of Master Of Science In The Department Of International Relations Thesis.
- Griffiths, M. (1999), **Fifty Key Thinkers in International Relation**, London: Routledge.
- Guzzini, Stefano. Leander, Anna. (2006), **Constructivism and International Relations: Alexander Wendt and his critics**, Routledge.
- Karimifard, H. (2012), Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, **Asian Social Science**, Vol. 8(2)
- Kinnimont, J. (2019), The Gulf Divided: The Impact of the Qatar Crisis, Chatham House: **The Middle East and North Africa Programme, (Report)**.
- Knutsen, Torbjorn. L (1997), **A History of international Relation Theory**, Manchester & New york: Manchester University press.
- Lipp, Andrew. (2019), **The Muslim Brotherhood: Exploring divergent views in Saudi Arabia and Qatar**, Political Science Thesis, Iowa State University.
- Mengshu, Zhan (2020), **A Brief Overview of Alexander Wendt's Constructivism**, <https://www.e-ir.info/2020/05/19/a-brief-overview-of-alexander-wendts-constructivism/> (Accessed 9 March 2022).
- Price, R. Reus-Smit, C. (1998), “Dangerous Liasons? Critical International Theory and Constructivism”, **European Journal of International Relations**, Vol. 4, No. 3.
- Sever, A. (2020), Regional Power Role and Intervention: The Turkish Case Over Syria in the 2000s, **Contemporary Review of the Middle East**, Volume: 7 issue: 2, page(s): 143-164
- Steinberg, G, (2013), **Qatar and the Arab Spring: Support for Islamists and new anti-Syrian Policy**, accessible online at http://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2012C07_sbg.pdf, p.5 ., accessed 8/05/2013.



- Van Veen, Erwin. Yüksel, Engin. (2018), Too big for its boots: Turkish foreign policy towards the Middle East from 2002 to 2018. **CRU Report**, (Accessed 8 March 2022).
- Wendt, A, (1987), The Agent-structure Problem in International Relations Theory, In **International Organization**, Vol. 41, No. 3, The MIT Press, pp. 335-370.
- Wendt, A, (1999), **Social Theory of International Politics**, Cambridge University Press.
- Wendt, A, (2006), **Constructivism and International Relations**, Edited by Stefano Guzzini and Anna Leander, Routledge Press.
- Wendt, A. (1992), Anarchy is what States Make of it: The Social Construction of Power Politics, **International Organization**, Vol 46, No. 2, pp. 391-425.
- Wendt, A. (1994), **Theories of International Regimes**, Cambridge university Press.
- Wendt, A (1994), Collective Identity Formation and the International State, **The American Political Science Review**. Vol 88, No. 2 (Jun., 1994), pp. 384-396 (13 pages)
- Yüksel, Engin. Tekineş, Haşim (), **Key drivers of Turkish-Qatari cooperation** , Clingendael Institute, <https://www.jstor.org/stable/resrep28664.6>, Report, (Accessed 8 March 2022).